

وصل تویی

مژده برزو

www.ketab.ir

سرشناسه	: برزو، مژده، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: وصل نویی / مژده برزو
مشخصات نشر	: قم : ارم، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۰ ص: ۵/۲۱×۵/۱۴، س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۲۰-۲۲-۲
وضعیت فهرست‌یابی	: فیا
موضوع	: راه و رسم زندگی — جنبه‌های مذهبی
رده‌بندی کنگره	: B۱۳۹۶۶۵BL ۴ پ ۲/ر
رده‌بندی دیویی	: ۲۰۴/۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۹۲۵۱۷۴

شماره

نام کتاب: وصل نویی

نویسنده: مژده برزو

چاپ: اول / ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۲۰-۲۲-۲

قیمت: ۱۰,۰۰۰ تومان

ناشر: انتشارات ارم

قم. خ ارم. مقابل کتابخانه مرعشی نجفی

تلفن: ۳۷۷۴۲۲۷۶

فهرست

۶	 مقدمه
۶	 باید ایستاد و نظاره‌گر بود
۹	 آرامش در وجود تو است
۱۰	 توقف کن
۱۲	 حس یک پارچه شدن
۱۳	 از خودت بترس
۱۵	 و اما
۱۵	 دلت را به خدایت بساز
۱۶	 قانون کائنات
۱۸	 انسان، موجود برتر
۲۱	 خلوت و مراقبه
۲۲	 قانون کائنات
۲۶	 آمدنم بهر چه بود؟
۲۶	 در لحظه باش
۲۷	 شکر
۲۸	 بازخورد
۳۱	 درنگ جایز نیست
۳۳	 حضور در لحظات
۳۵	 نیروی عقل
۳۶	 دیگران
۳۹	 خدا و انسان
۴۱	 زیستن و اندیشیدن

۴۳	عزت نفس
۴۶	از حضور دیگران استفاده کن
۴۸	چرا هستیم؟
۴۹	هدف
۵۱	ترس
۵۴	رسالت ما
۵۵	طوایع و ارتفاع زندگی
۵۷	زمینی عمل نکن
۶۰	ستار العیوب
۶۲	رحمان و رحیم
۶۵	چنگ زدن به اسمای الهی
۶۶	از برکات بی خبریم
۶۸	حرص و طمع
۷۱	تاریکی و روشنی نهاد انسان‌ها
۷۲	شک
۷۴	خود را بساز
۸۰	اثبات خدا
۸۲	ایمان
۸۵	آه و نیروی ما
۸۶	بومرنگ
۹۱	وظیفه ما

مقدمه

به نام خدا

خواننده گرامی در کتاب پیش رو در مورد حس ارتباط عمیق و قلبی با خداوند و چگونگی پیدا کردن این حس و رسیدن به آرامش حقیقی که با وصل شدن به این نیروی لایتناهی به دست می آید با شما سخن می گویم.

این که بطور کلی توان با طبیعت خدا و همه موجودات یک پارچه شد و آزاد و رها، تنها زندگی در لحظات را تجربه کرد و در سایه این ارتباط و اتصال عمیق و حقیقی با خداوند با اتماد و نفس در مسیر اهداف گام برداشت، بدون این که غرق در مسایل و مشغولت و روزمرگی باشیم.

زیرا در این کتاب یاد می گیریم همه چیز را رها کنیم و به خداوند بسپاریم. هم چنین می آموزیم، هیچ نیرویی در عالم هستی عظیم تر از خداوند متعال نیست و ما می توانیم با هماهنگی با نیروی 'یزال' و اتصال قلبی و همیشگی با خداوند، زندگی آرامی را تجربه کنیم. نیز می توانیم تعلیمات بسیاری بر محیط و زندگی اطرافیان خود بگذاریم، چون هنگامی که همه را پس زده و خدا را ببینیم، خداوند تمام مشکلات را پس خواهد زد تا تنها برای او باشیم...

باید ایستاد و نظاره گر بود

هنگامی که با تمام وجودت جریان هستی را احساس کنی، تغییرات را به یکباره در درونت احساس خواهی کرد و در تمام وجودت این جریان به صورت یک پارچه جاری می شود و به تو می گوید که نیرویی وجود دارد که فراتر از ذهن تو عمل می کند و قدرتی هست که برتر از تمامی کائنات و جهان هستی

است. این نیرو تو را به صورت یک پارچه با جهان همسو می کند و هنگامی که با این جریان هماهنگ شوی فکرت با جسمت و جسمت با روحت هماهنگ می شود و روح تو حس آرامش عجیبی پیدا می کند و دیگر هیچ مسأله ای برایت آن قدر پررنگ نیست که ذهنت را درگیر خود کند.

چون می دانی که همه چیز را آن نیروی مافوق طبیعی اداره می کند و این همان نیروی عظیم جهان هستی است که بسیار درست و دقیق کار خود را انجام می دهد.

در این لحظه است که حس می کنی هر تلاشی از جانب تو برای جنگیدن با مشکلات بسیار پیچیده است و پیچیده تر این که بخواهی خودت را درگیر حل مسائل و مشکلاتت بکنی.

اکنون می دانی که باید از حرکت بایستی و دست برداری از این همه تکاپوی بی سرانجام و این همه دواهای بی هدف!!!

خودت را ببین که چقدر کلافه ای و سردرگم و چقدر خود را اسیر افکار گنگ و پیچیده ای کرده ای که در حقیقت، در خارج از ذهن تو وجود ندارند.

آری، باید ایستاد و تنها نظاره گر بود و باید که این نیروی عظیم چگونه درست و دقیق کار خودش را انجام می دهد و تو چقدر پیچیده داری به خودت سخت می گیری! و چقدر کلافه ای و سردرگم و خودت را اسیر افکار پیچیده ای کرده ای که در حقیقت در خارج از ذهن تو وجود ندارند!!!

هنگامی که بایستی و به وجودت و به زندگی ات و مشکلاتت از بیرون نظاره گر شوی، آن چه خواهی دید خود واقعی تو است. همان کسی که ایستاده و نظاره گر است. در اطراف تو هیچ چیز وجود ندارد.

آن چه هست همگی افکار تو است و بدان که خارج از ذهنت این افکار بسیار پوچ و بی معنی اند و تو خودت را درگیر این پوچی ها کرده ای، در حالی که می توانی به شایستگی از نیروی درونت بهره ببری و به جای درگیر کردن

فکرت به این روزمرگی‌ها فکر خود را معطوف هر آن‌چه از خوبی و نیکی‌ها است بکنی و خود را از انحصار افکار باطل بیرون بیاوری.

ایمان بیاور به خدای درونت. ایمان به این که اگر به آن نیروی عظیم وصل شوی مسایل و مشکلاتت به خودی خود رنگ می‌بازند. ایمان بیاور به این که اگر همه چیز را رها کنی و همه مسایل را به حال خودش واگذاری، آن مسایل در زمان دست و به موقع حل خواهند شد و احتیاجی به تکاپوی بیهوده‌ی تو نیست.

واقع این گونه اگر عمل کنی در حال هماهنگ شدن با جهان کائنات هستی و به راه‌ها رسیدن است که می‌فهمی مشکلات به خودی خود حل خواهند شد و تو تازه در ابتدای راه هستی و کم کم داری مسیر خودت را پیدا می‌کنی و می‌فهمی که آرامش محتاجی را استادان و نظاره‌گر بودن مشکلات است.

نظاره‌گر بودن یعنی: نقطه مسایل و مشکلات و موقعیت خود را ببینی و بدانی در چه وضعیتی هستی و سرگردانی که آن نیروی مافوق طبیعی دارد به درستی کار خودش را انجام می‌دهد و این که با تمام وجودت احساس کنی که آن نیرو وجود دارد و همه امور عالم را به درستی و به دقت انجام می‌دهد! پس تو چرا دلواپسی؟ و چرا دلهره داری؟

در تمامی دوران‌ها انسان در تب و تاب و تکاپوی مداوم برای حل مشکلات خود به هر دری زده اما دریغ از لحظه‌ای آرامش و درک حقیقت! آیا این‌گونه راه حل مشکلات پیدا می‌شود؟ آیا با حل کردن خودمان در مشکلات و غرق شدن در دریای مسایل چاره آن‌ها یافت می‌گردد؟ آیا به این در و آن در زدن و غرق در اوهام و افکار بیهوده بودن موجب آرامش ما خواهد شد؟